

از لابلای یادداشت‌ها و نبشته‌های روزمره ام

منطق ژئوپولیتیک تحولات منطقه‌ی درمحوریت کشورها اهمیت عنصر جغرافیایی در تحلیل سیاست منطقی امکان ترمیم شناخت و درک متقابل از همدیگر

**چگونگی تشریح و تبیین بحران‌های منطقی و محلی
نقش و تأثیرگذاری کشورها در معادلات منطقی
افزایش کُنشگری کشورهای کوچک
کوتاه مدت بودن دستاوردها**

قبل از همه، بایست باین پرسش پاسخ قناعت بخشی ارائه گردد که آیا آغاز جنگ در اراضی کشورها و حمایت و پشتیبانی کشورها از آن یک امر جبری بود؟ ماشین جنگی اداره و اشنگتن تحت نام دفاع از منافع و امنیت ملی، در افغانستان بحرکت آمده، هم پیمانان ایالات متحده یا قناعت داده شده و یا مجبور گردیدند که یا همراه با ایالات متحده و یا در غیر آن علیه آن کشور موضعگیری نمایند. نقش و چگونگی حوادث یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ جرأت مخالفت با این جنگ را سلب کرده بود. اکثریت مطلق کشورها بشمول پاکستان، ایران، روسیه، چین و هند بمنظور حفظ و دفاع از منافع ملی کوتاه مدت و درازمدت خویش در افغانستان و اطراف آن، به لبیک گفتن همزمان با آن جنگ مبادرت ورزیدند سیاست ایالات متحده در قبال صلح کشور عزیز ما مبتنی بر تاکتیک‌های کوتاه مدت و منافع بوده که هر لحظه تغییر آن متصور می‌باشد. این منافع و تاکتیک‌ها قابل درک و پیشبینی می‌باشند. چنین معلوم می‌شود که ایالات متحده در نظر دارد با "طالب"ها صلح نماید. اما قضیه داعش و فعالیت‌های داعش در کشورها مشکوک بوده و از چگونگی تمویل و نحوه فعالیت‌های شان چنین معلوم می‌شود که کار منظم استخبارات باشد تا یک گروه خود جوش.

موضوع مورد بحث کنونی را با این پرسش آغاز می‌نمایم که آیا کشور عزیز ما افغانستان، واقعن بمتابیه منطقه خطرو تهدید پایدار برای مجموعه آسیای مرکزی پنداشته می‌شود؟ قبل از ارائه پاسخ به پرسش فوق، یادآوری این مسأله، شایان ذکر پنداشته می‌شود که اصطلاح آسیای مرکزی دربرگیرنده ناحیه‌ای شامل کشورهای قزاقستان، قرغیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان می‌گردید. با اینحال، مطابق اطلاعات داده شده توسط یونسکو، کشورهای منگولیا، بخش‌های شمالغربی چین، منطقه تاگای جنوبی و محلات مناطق آسیایی روسیه، افغانستان، بخش‌هایی از منطقه شمالغربی هند، بخش شمال پاکستان، بخش شمالی ایران نیز شامل این مجموعه می‌گردند. بدین ترتیب، کشور عزیز ما افغانستان دربرگیرنده بخش جنوبی آسیای مرکزی می‌باشد. در اراضی کشورها، همو طنان تاجیک، ازبک و ترکمن ما و همچنان عده‌ای از قزاق‌ها و قرغیزها نیز در کنار سایر ملیت‌ها و اقوام ساکن در کشورها بود و باش دارند.

قابل یادآوری پنداشته می‌شود که پس از امضای توافقنامه امریکا - "طالب" مبنی بر قطع آتش و توقف اقدامات جنگی و نظامی علیه یکدیگر، حملات "طالب"ها بویژه در قالب اقدامات انتحاری علیه قوت‌های دولتی و افراد ملکی کشور، بیش از پیش از دیداد حاصل نمود. شماری از کشورهای منطقه از توافقنامه یادشده پشتیبانی نموده

وموازی با آن از اقدامات و چگونگی فعالیت هایشان در زمینه تطبیق مواد آن خبر داده و از انجام سعی و کوشش به منظور تسریع پروسه صلح آغاز شده در کشور ما اطمینان دادند.

مدتی قبل، وزارت خارجه پاکستان نیز اعلام نمود که کمک‌ها و معاونت‌های آن کشور را بمنظور تسریع پروسه یادشده در افغانستان، همچنان ادامه داده و طرف پاکستان، حتا در صورت خروج احتمالی نظامیان امریکایی از افغانستان، نیز در تداوم امر یادشده صادق و پیگیر خواهد بود (!)

باید یادآور شد که در وضعیت حاضر، بمنظور استخلاص و رهایی از وضعیت ناهنجار کنونی، کشور عزیز ما بکمک‌ها و حمایت‌های همه جانبه خارجی و به پشتیبانی بین‌المللی، ضرورت اشد احساس می‌نماید. بگمان اغلب و بر بنیاد واقعیت‌های موجود، بویژه پس از عقد توافقنامه امریکا - "طالب"، وضعیت امنیتی کشور بیش از هر زمان دیگر متشنج گردیده، بی‌امنیتی در کشور بیداد نموده و بسیاری از معضلات و مشکلات بیشمار امنیتی تا کنون نیز همچنان لاینحل باقی مانده است. خلاصه اینکه، پیمان صلح میان ایالات متحده و "طالب"‌ها می‌تواند منطقه ما را بگونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد.

در وضعیت و اوضاع و احوال کنونی، واشنگتن علاقمند است تا بمنظور هدایت روند سیاسی، از هزینه‌های نظامی آن کشور در افغانستان کاسته و تأمین بخش‌هایی از آنرا بر عهده دول همجوار کشور ما قرار دهد. در ایالات متحده با بین واقعیت پی برده اند که تنها و تنها با استفاده و بکارگیری راه‌ها و وسایل نظامی نمی‌توان بحل و فصل قضایای موجود در کشور ما نایل گردند. بمنظور حصول مأمول فوق، همکاری‌های چند جانبه اقتصادی، علمی - آموزشی و فرهنگی در صدمسائیل موجود قرار می‌گیرد. بنابراین، واشنگتن در صدد آن می‌باشد تا عمدتاً، سهمگیری و مشارکت کشورهای آسیای میانه را در این پروسه جلب نماید. ایالات متحده از مدت‌ها قبل تاکنون بمنظور ایجاد راه‌های حمل و نقل از طریق کشورهای آسیای میانه با افغانستان و وصل آن به هند و پاکستان تلاش می‌ورزد. با این حال، منطقه ما در امر فوق بیش از دیگران علاقمند و ذینفع می‌باشد.

قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که از پاکستان بمثابة اجر آکنده مهم و عمده ساخت و ساز راه آن و امتداد آن از حیرت‌ناهن به مزار شریف و همچنان ایجاد و اعمار راه آهن مزار شریف - هرات می‌باشد. متذکر باید گردید که راه آهن یاد شده، امکان وصل به راه آهن ایران و از آن طریق، تأمین ارتباط با بندر عباس و چاه بهار را نیز عملن تأمین خواهد نمود. از سال ۱۳۸۱، کشور از پاکستان بانتهال انرژی برق به کشور ما اقدام نمود. انتقال انرژی یادشده بویژه از طریق مسیر سرخان - پلخمری به افغانستان انتقال یافت.

در ماه‌های پایانی سال پار، افغانستان و تاجیکستان "قرارداد و تفاهمنامه در مورد ایجاد و ساخت و ساز راه آهن میان دو کشور" را امضا نمودند. در واقعیت امر، بمنظور تطبیق عملی برنامه یادشده بهزینه‌های هنگفت و کلانی ضرورت احساس گردیده و سعی بعمل آمد تا سرمایه‌گذاران بیشتری بمنظور اجرای برنامه یادشده تشویق گردند.

تفاهم متذکره، در نوع خود بمثابة بخشی از برنامه طرح شده در مورد ساخت و ساز راه آهن ترکمنستان - افغانستان - تاجیکستان و چین - قرغیزستان - تاجیکستان - افغانستان - ایران، محسوب می‌گردد. در شرایط و وضعیت کنونی، تطبیق و اجرای عملی طرح برنامه کاسا - ۱۰۰۰ رویدست گرفته شده که با اكمال آن قرغیزستان و تاجیکستان مقدار قابل ملاحظه انرژی برق را به افغانستان و پاکستان انتقال خواهند داد. همزمان با آن، پاکستان به دلیل هزینه بالای طرح یادشده، در مورد تطبیق و اجرای طرح متذکره ابراز تردید نمود. با این حال، با دسترسی به کاسا - ۱۰۰۰، خط لوله گاز تاپی و تطبیق عملی سایر برنامه‌ها، بنحوی از انحاء بمثابة انعکاس دهنده اهمیت اقتصادی کشورهای آسیای میانه برای کشور عزیز ما بشمار می‌آید. اما بمنظور دستیابی و حصول سود سهام همه طرح‌های اینچنینی، ضرورت تأمین امنیت و استقرار ثبات در کشور عزیز ما در دستور روز قرار می‌گیرد.

در اواسط ماه جدی سال پار، جان سپکوسر بازرگ امریکایی در مورد بازسازی و اعمار مجدد کشور ما (سیگار)، طی ارائه گزارشی به کانگرس ایالات متحده، متذکر گردید که رویارویی نظامیان امریکایی با "طالب"‌ها، بگونه معکوس آن با اثر بخشی و تأثیرگذاری گروه یادشده بیش از پیش مساعدت نمود. نامبرده از سوؤاستفاده‌های گسترده جانب امریکایی در پروسه یادشده و از بی‌کفایتی کارمندان امریکایی در افغانستان نیز تذکراتی بعمل آورده و همچنان از شناخت اندک از واقعیت‌های محلات، اغراق در امر دستیابی بمؤفقیت‌ها و سکوت در مورد اشتباهات و خطا‌هایی که انجام پذیرفته، طی گزارشی به کانگرس ایالات متحده و رئیس‌جمهور آن کشور ارائه نمود.

در نهایت امر، مطابق دیدگاه و نوع نگاه نامبرده، اما اکثریت افغان‌ها "قدرت" طالب‌ها را در قیاس با دیگران، بویژه در مقایسه با دستگاه فاسد کنونی دولت افغانستان، مناسبتر می‌پندارند.

طی انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری پسین در کشور، افغان‌ها بمثابة یک مجموعه، بگونه نهایت اندک و محدودی به سیاستگران اسلامگرا رأی دادند. در عین زمان قابل یادآوری پنداشته میشود که طی ماه سنبله سال پار، در جریان انتخابات ریاست جمهوری کشور از ۵،۱۶ هزار مورد تخطی از اصول مربوط انتخاباتی به ثبت رسید که نه تنها در نتایج انتخابات تأثیر معینی بجا گذاشته بلکه سبب تعلل چند ماهه در اعلام نتایج آن نیز گردید. اما چنین وضعیتی در پایداری و استمرار ریاست جمهوری بر رهبری اشرف غنی بمثابة تداوم دومین دور ریاست جمهوری نامبرده نیز مؤثر واقع گردید.

برخی از کارشناسان مسایل چنین می‌پندارند که با خروج کامل قوت‌های نظامی امریکایی از افغانستان، ممکن تناقض‌گویی میان گروه‌های متعدد سیاسی آنهم در متن درگیری‌های قومی بویژه در شمال کشور حاد گردد. با خروج کامل نظامیان امریکایی از افغانستان و بقدرت رسیدن احتمالی "طالب"ها (در اتحادبا سایر نیروها)، ممکن مسأله حضور گروه‌های جهادی بشمول داعش مطرح گردیده و همچنان روندی بمنظور تحت فشار قرار دادن نیروهای یاد شده در کشور صورت عملی بخود اختیار نماید، در چنین وضعیتی، آسیای میانه ممکن با حملات و اقدامات تلافی‌جویانه و خرابکارانه سازمان‌ها و دسته‌بندی‌های تروریستی مواجه گردد.

نکته دیگری که در این مورد شایان توجه پنداشته میشود، از جمله یکی هم اینکه چرا سعی ورزیده میشود تا این واقعیت پوشیده و پنهان نگهداشته شود که پیروزی و موفقیت "طالب"ها ممکن سبب تشدید فعالیتها و عملکردهای بنیادگرایی در آسیای میانه گردیده و موفقیت‌های جنبش‌ها و تحركات جهادی‌ها را سبب گردد.

به لحظه‌ها و مراحل که سعی در پنهان نمودن و مخفی نگهداشتن وقایع اتفاقیه صورت می‌گیرد، باید عطف توجه معطوف گردد. موفقیت‌های "طالب"ها ممکن سبب تشجیع جنبش‌های مذهبی در آسیای میانه شده کاین خود، به نحوی موفقیت جنبش‌های جهادی محسوب می‌گردد. در اینجا دیگر بیش از این، موضعگیری "طالب"ها که در جهت ایجاد مناسبات سازنده با کشور‌های همجوار عنوان می‌گردد، از اهمیت چندانی برخوردار نخواهد بود.

اظهار نظر در این مورد بگونه قطع مشکل بنظر میرسد که توافق ایالات متحده با "طالب"ها در چاقوب اعلام شده تحقق پذیرد. اما ترامپ با استفاده از ابزاری از مسأله خروج نظامیان آن کشور از افغانستان، بدنبال دستیابی به کارت برنده‌ای در کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری پیشرو و حفظ پست ریاست جمهوری کشورش می‌باشد. اگر چنین سناریویی از قوه‌بفعل مبدل گردد، در اراضی کشور ما، درگیری "طالب"ها با بخشی از نیروهای "اتحاد شمال" قبلی و احیاً و شکل‌گیری آن به نحوی از انحاء، نیز محتمل به نظر می‌رسد. چنانچه بسیاری از نیروهای تشکیل دهنده "اتحاد" یاد شده متذکر گردیده‌اند که بگونه‌گلی و در مجموعه برنامه‌های سیاسی و نظامی، با "طالب"ها به مقابله و مبارزه تداوم خواهند بخشید. چنانچه در مورد توانایی‌های کنونی و اقتدار حکومت مرکزی کشور یادآور شده‌اند که دولت افغان‌نستان از توانایی تداوم مبارزه مستقلانه و فعالانه علیه "طالب"ها برخوردار نبوده و نیز منتظر موفقیت چشمگیری در مورد نباید باشد. چه با تطبیق مفردات توافقنامه پسین "طالب"ها و امریکایی‌ها، این "طالب"ها خواهند بود که از امتیازات گسترده تری برخوردار گردیده و امتیازات بیشتری کسب نمایند.

قابل تذکر پنداشته می‌شود که در وضعیت و شرایط کنونی، در نحوه ساختار دولت و چگونگی تشکیل ادارات دو دولتی و ایجاد بخش‌های کلیدی، اصلن مسأله توازن قومی در نظر گرفته نشده است کاین خود، اصل لنگش و عدم نظم لازم در بسیاری از بخش‌های کشور را سبب می‌گردد.

برخی‌ها معتقدند که "طالب"ها بمقایسه نیروهای دولتی کشور، از آمادگی‌های جنگی و حربی بیشتری برخوردار می‌باشند. این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که تاجیکستان و ازبکستان، بگونه‌ای به گروه‌های همخون و هم‌نژادشان در کشور ما معاونت و کمک خواهند نمود. بلی وحتا خود ایالات متحده، پس از خروج بخش‌های عمده‌ای از قوت‌های نظامی و جنگی آن کشور از افغانستان، دول کشورهای منطقه را متعهد بارائه کمک‌ها و معاونت‌های همه‌جانبه و وسیعی به حاکمیت سیاسی کشور خواهد نمود. این در نوع خود بمثابة پیدایش و ایجاد وضعیت ناپایدار با پیامدهای بالقوه خطرآفرینی برای مجموعه آسیای میانه و همچنان هشدارهایی برای کشور عزیز ما محسوب می‌گردد.

مطابق گزارش‌های مقام‌های مسوؤل امنیتی، بویژه طی ماه‌های پسین سال پار، وضعیت در کشور از ثبات لازم برخوردار نبوده و تشنج و ناآرامی، کشور را مورد تهدید جدی قرار داد. گروه‌بندی‌های تروریستی از جمله "داعش"، بیش از هر زمان دیگر در اراضی کشور ما بویژه در صفحات شمال کشور فعال گردیده و در مناطق و محلات یاد شده با "طالب"ها وارد درگیری‌های خونینی گردیده و از طریق تاجیکستان و ازبکستان به مناطق

دیگر آسیای میانه حملات شان را تداوم خواهند بخشید. بگفته عده ای از کارشناسان، بیش از یک و نیم ماه می شود که علایم و نشانه هایی از موجودیت "شعبه افغانی دولت اسلامی ولایت خراسان" نیز بنظر میرسد. هدف جنگجویان ایجاد باصطلاح خراسان بزرگ بوده که دربرگیرنده اراضی افغانستان و بخش هایی از آسیای میانه می باشد. در اواسط ماه جدی سال پار، در ولایت کنر، یکتن از قوماندان های "دولت اسلامی" توسط قوای امنیتی کشور دستگیر گردیده که بخودی خود، بمثابه نشانه ایجاد و تأسیس "ولایت خراسان" محسوب می گردد. بمنظور انتقال و گذار کم و بیش بی درد سر بدوره "پسا امریکایی"، باوجود سایر موارد، به تلاشهای هماهنگ سایر با زیکنان علاقمند از جمله چین، روسیه، پاکستان، هند، ایران و... ضرورت اشد احساس می گردد. در ایام پسین زندگی و حیات بشری، شاهد توجه و دقت لازم و همه جانبه وسایل اطلاعات جمعی در مورد پخش و گسترش ویروس کرونا بمفهوم وسیع کلمه می باشیم. بر علاوه در بسیاری از کشورها، بیکاری های گسترده و نبود مساعدت های اجتماعی برای شهروندان بسا از کشورها، موج های اعتراضی و بی نظمی هایی حیات و نظم اجتماعی را تهدید می نماید. رنجش و دلخوری شهروندان بسیاری از کشورها، بیکاری های اجباری و عدم دسترسی به نیازمندی های اولیه، زمینه های استخدام جنگجویان جدید را بیش از هر زمان دیگر مساعد و مهیا نموده است.

هنگامی که نافرمانی توده های مردمی در چند قدمی وجود داشته باشد، این در نوع خود بمفهوم تهدید آشکار دولتها ری پنداشته شده که مجریان آن عدالت می خواهند. حوادث پسین، آنهم بویژه در سایه تهدیدهای افراط گرایی مذ هبی و وسعت و گسترش آن در مجموعه کشورهای آسیای میانه بویژه طی طرح اقداماتی ضد اپیدمی، قابل توجه و اندیشه پنداشته می شود.

در این میان، انجام تلاش های افراط گرایان بنیادگرا ممکن دامنگیر کشورهای بیشتری نیز گردد. باوجود تلاش های علیه پخش و گسترش ویروس کوید - ۱۹، فعالیت ها و تلاشهای هسته های افراطی مسلح و انجام عملیات تروریستی در بسیاری از کشورها تا هنوز هم متوقف نگردیده است. بیشترین بخش جنگجویان یادشده در اراضی متعلق بکشور عزیزما و هم در خاور میانه و همچنان با گرم نگهداشتن کانون های تشنج در افریقا، بیش از هر زمان دیگر، همچنان فعال می باشند.

اما در مورد نحوه عملکردها و موضعگیری ایالات متحده باید یادآور شد که سیاست ایالات متحده در قبال صلح در کشور ما مبتنی بر تاکتیک های کوتاه مدت و بر بنیاد منافع آن کشور بوده که هر لحظه، تغییر آن نیز متصور می باشد. این منافع و تاکتیک های اینچینی بمشکل قابل درک و پیشبینی اند. چنین بملاحظه می رسد که ایالات متحده در نظر دارد با "طالب" ها صلح نماید. اما معضل "داعش" و چگونگی انجام فعالیت ها و اقداماتی علیه عملکردهایی آنها بمنظور جلوگیری از انجام ترور و کشتار انسان ها در کشور ما مشکوک بنظرمی رسد.

همه باین امر متیقن می باشند که با بررسی چگونگی تمویل افراط گرایان و بنیادگراها و نحوه تنظیم و اجرای عملی فعالیت ها و شیوه عملکردهای شان، این واقعیت بیش از هر زمان دیگر آشکار می شود که اینهمه، کار منظم و نفس گیر سازمان های استخباراتی بدنام منطوقی و فرا منطوقی می باشد تا یک گروه خودجوش. با نظری ولو گذرا می توان شاهد موجودیت ایدئولوژی سلفی - سعودی و در اختیار قرار گرفتن امکانات استخباراتی غربی برای آنها بود. از جانب دیگر، روابط جنجالی ایران با ایالات متحده و کشورهای غربی، به پیچیدگی مسایل بیش از پیش می افزاید.

یکشنبه ۱۸ ماه جوزای سال ۱۳۹۹ خورشیدی